

رہیافت «فلسفہ و کودک» در حی بن یقظان ابن طفیل

نادیا مفتونی*

چکیده

مقدمه

یکی از نمونه‌های مثال‌زدنی فلسفه‌ورزی در دوران کودکی در رمان فلسفی ابن‌طفیل بنام حی بن یقظان بچشم می‌خورد. از ابن‌طفیل که بین سالهای ۴۹۵ تا ۵۰۵ هـ. ق. متولد شده و در سال ۵۸۱ هـ. ق. وفات یافته است، فقط یک اثر مورد توجه یعنی رساله حی بن یقظان بدست ما رسیده است. نام کامل این رساله که نشان‌دهنده تأثیر عمیق حکمت اشراقی بوعلی بر ابن‌طفیل است اینگونه بیان شده است:

رساله حی بن یقظان فی اسرارالحکمة المشرقیة استخلصها من درر جواهر الفاظ رئیس ابی علی ابن سینا.

رمان انگلیسی رابینسون کروزوئه از رساله ابن‌طفیل تأثیر پذیرفته است.^(۱) رساله حی بن یقظان از شهرتی بعنوان یکی از منابع دوره روشنگری اروپا، انقلاب علمی، ادبیات جهانی و نیز فلسفه مدرن غرب برخوردار است.^(۲) رساله ابن‌طفیل در واقع از دو قسمت تشکیل می‌شود: یک مقدمه علمی و غیرداستانی به اضافه یک رمان فلسفی با همه ماجراهایی که در آن رخ می‌دهد. مقدمه نشان می‌دهد ابن‌طفیل رساله‌اش را در جواب درخواست کسی نوشته که اسرار حکمت مشرقی ابوعلی سینا را طلب کرده است.^(۳) به اعتراف خود ابن‌طفیل، این فیلسوف اندلسی بشدت تحت تأثیر بوعلی بوده است. ابن‌طفیل از دو شخصیت بنام سلامان و اسال نام میبرد و حی بن یقظان و سلامان و اسال را همان شخصیت‌های رساله بوعلی میدانند. البته نام شخصیت رساله شیخ‌الرئیس اسال نیست بلکه اسال است.^(۴)

رہیافتهای فلسفه و کودک از آثار حکمای مسلمان قابل اخذ و تدوین است. یکی از این منابع رساله حی بن یقظان ابن‌طفیل است که بعنوان اولین رمان فلسفی شهرت دارد. حی بن یقظان، طفلی است که در جزیره‌یی بدون سکنه، در آغوش طبیعت و در بین حیوانات بزرگ میشود و یک غزال یا آهو برای او مادری میکند و متکفل رشد جسمی اوست. علاوه بر تکامل جسمی، فرایند اندیشه‌ورزی حی در دامان مادر طبیعت تکامل مییابد. این اندیشه‌ورزی بدنبال بلوغ فکری و فلسفی، به نوعی بلوغ عرفانی نیز منتهی میشود.

در فراز پایانی داستان، حی با انسانهایی از جزیره دیگر آشنا میشود و درمییابد آنچه از طریق تفکر در خویشتن و اندیشه‌ورزی در طبیعت بدست آورده با معارف دین و تعالیم وحی در هماهنگی کامل است. این رہیافت را میتوان بخشی از سلوک فکری فلسفی حی بشمار آورد.

برخی رہیافتهای اندیشه‌ورزی حی به ترتیب زمانی یعنی از خردسالی تا بزرگسالی عبارت است از دستاوردهایی در زمینه فناوری، علوم تجربی، رہیافت فلسفی، رہیافت عرفانی. سلوک فکری حی بن یقظان در الگوی اسفار اربعه قابل تحلیل است.

کلیدواژگان

حی بن یقظان	ابن طفیل
اسفار اربعه فکری	رہیافت فلسفی
رہیافت عرفانی	

* دکترای فلسفه و حکمت اسلامی استادیار دانشگاه؛

بخش داستانی *حی بن یقظان* ماجرای سلوک فکری طفلی است که ابتدا نحوه تولد و خلقت او به دو روایت بیان میشود: یکی آفرینش مستقیم از خاک جزیره خالی از بشر و دیگر زاده شدن از پدر و مادری که او را از سر ناچاری به دریا می‌افکنند و جریان آب طفل را به جزیره‌یی خالی از سکنه میرساند. کودک در تنهایی و بی‌کسی در دامان مادر طبیعت کاملاً وحشی به رشد جسمی و فکری میرسد. به دیگر سخن، قهرمان رساله در جزیره یا بیابان تنهایی که استعاره‌یی از همه جهان است به سلوک فکری می‌پردازد. رمان دارای دو بخش عمده است که هر بخش شامل مراحل فرعی چندی است: الف) رشد جسمی و فکری حی تا رسیدن به تجارب عرفانی، ب) رسیدن به دین و فهم هماهنگی میان فلسفه و دین.^(۵) مراحل تکامل فکری حی در مرحله اول را میتوان به صورت چهار سفر عقلی برشمرد. بررسی تحلیلی مرحله دوم مجالی مستقل می‌طلبد.

اندیشه‌ورزی در مدل اسفار اربعه

مسیر رشد جسمی و فکری فردی و اجتماعی حی، در الگوی اسفار اربعه قابل تحلیل است.^(۶) آغاز رمان بمنزله مقدمه‌یی است که فضای حوادث رمان را توجیه میکند و پس از بیان موقعیت جغرافیایی و چگونگی سر درآوردن قهرمان داستان در آن موقعیت، وارد هدف اصلی میشود. ابن طفیل در این سرآغاز به بیان نحوه خلقت و تولد حی و منطقه جغرافیایی نشو و نمای وی می‌پردازد. همانطور که اشاره شد، وی دو روایت درباره تولد حی نقل میکند که هر دو ارجاعی به آیات قرآن کریم دارند. روایت اول این است که در منطقه‌یی ویژه از کره زمین که معتدلترین آب و هوا را داشته، انسان بدون نیاز به پدر و مادر متولد شده است.^(۷) این روایت از آفرینش حی، به روایت قرآنی آفرینش آدم از خاک ارجاع دارد.^(۸) ابن طفیل میگوید گروهی قول خلق حی بدون احتیاج به مادر و پدر را پذیرفته‌اند و گروهی دیگر این قول را قبول ندارند و حی

را زاده پدر و مادری میدانند. ماجرا به باور گروه دوم آن است که در جزیره‌یی آباد و دارای جمعیت انسانی، پادشاهی مانع ازدواج خواهر زیبایش میشود. یقظان، یکی از نزدیکانشان، بصورتی که در مذهبشان جایز است، پنهانی با خواهر پادشاه ازدواج میکند. آن دو صاحب فرزندی میشوند و مادر از ترس پادشاه فرزند را پس از شیر دادن در جعبه‌یی محکم گذاشته با قلبی سوزان به دریا می‌اندازد. آب کودک را به جزیره‌یی خالی از سکنه میرساند. این همان جزیره‌یی است که در روایت اول مطرح شده است.^(۹) این روایت دوم بروشنی ارجاع به داستان حضرت موسی(ع) دارد.^(۱۰) به هر حال، طفل درون جعبه از گرسنگی شروع به گریه و سر و صدا و دست و پا زدن میکند. آهویی که عقاب بره‌اش را ربوده، صدای بچه را میشنود و میپندارد صدای بره خودش است. خود را به جعبه رسانده طفل را نجات میدهد، نوازش میکند، شیر داده بزرگش میکند.^(۱۱)

ابن طفیل میگوید این روایت اخیر باور گروهی است که تولد حی بدون پدر و مادر را انکار میکنند، سپس به جزئیات و نحوه تولد حی از خاک، بنا به قول قائلان، می‌پردازد. ابن طفیل در بیان اعضای بدن و قوای نفس به سخن فارابی در فصول بیستم و بیست و یکم کتاب *آراء اهل مدینه فاضله* نزدیک است.^(۱۲)

حی چه از خاک بوجود آمده باشد چه از پدر و مادر متولد شده باشد، داستان تنهایی او در جزیره و رشد و بزرگ شدنش در آغوش آهویی که او را بره خویش میپندارد، شکل میگیرد. آهو به تغذیه طفل و حفاظت از او اهتمام دارد و فقط هنگامی که بناچار باید بچرد از او فاصله میگیرد. طفل نیز سخت دلبسته آهو میشود، بنحوی که اگر آهو کمی بیش از معمول از وی دور بماند سخت میگیرد و آهو بمحض شنیدن صدای گریه بسوی طفل میدود. در جزیره حیوان درنده‌یی وجود ندارد و طفل با شیر آهو بزرگ میشود و به دو سالگی میرسد، راه می‌افتد و دندان درمی‌آورد. آهوی مهربان وی را به جاهایی که

میوه هست میبرد و کودک از میوه تغذیه میکند. همچنین به طفل آب میرساند و او را در آغوش خود میخواباند.^(۱۳) به این ترتیب حی با آهوان بزرگ میشود و صدای آهوان و دیگر پرندگان و حیوانات را تقلید میکند؛ البته بطبع بیشتر از همه، انواع صداهای آهوان را یاد میگیرد. حی و وحوش جزیره با یکدیگر انس و الفت میابند.^(۱۴)

در یک تعبیر موجز میتوان گفت حی فرزند طبیعت است. این بعد وجودی حی، یکی از ابعاد وجودی همه انسانهاست. همه ما در ابتدای تولد و سالهای آغازین زندگی، نسبت وثیقی با طبیعت داریم. نیازهای یک نوزاد آنچنان با طبیعت گره خورده که کوچکترین اختلالی در آن، مانند گرما و سرما و تأخیر در آب و غذا، حیاتش را به مخاطره می اندازد.

اینک اندیشه‌ورزی و رشد فکری حی طی اسفار اربعه آغاز میشود:

الف) سیر من الخلق الی الحق: فلسفه‌ورزی حی بن یقظان در مرحله نخست، شامل شناخت طبیعیات و نیز معرفت به مابعدالطبیعه میشود. حی تا بیست و یک سالگی موفق به شناخت انواع نبات و حیوان و تشریح حیوانات زنده و مرده و اثبات روح حیوانی میشود و به جایگاه دانشمندان بزرگ طبیعیات میرسد؛ یعنی به روش حسی و تجربی دانش می‌اندوزد و در واقع یک دانشمند علوم تجربی میشود.

حی از بیست و یک سالگی تا بیست و هشت سالگی روش دیگری را در پیش میگیرد: «ثم انه بعد ذلک اخذ فی مأخذ آخر»؛ این مأخذ دیگر، روش عقلی و کلی و علوم استدلالی مابعدالطبیعی یا همان مسائل فلسفه بمعنای الهیات عامه است: وحدت و کثرت، مفهوم جسم، خصوصیات کلی حیوان و نبات، ماده و صورت، حدوث و فلسفه‌ورزی پس از بیست و هشت سالگی ادامه مییابد. آنگاه که حی مفهوم حدوث را درک کرده و در جستجوی محدثی برای امور حادث است و چنین محدثی را در بین موجودات زمینی پیدا نمیکند، به شناخت موجودات سماوی رو میکند و درمییابد سماویات نیز

جسم و متناهیند و از تفکر مسائل حدوث و قدم و زمان به اثبات خداوند میرسند.

ب) سیر بالحق فی الحق: حی پس از اثبات ذات خداوند، به اوصاف خدا معرفت پیدا میکند. هنگامی که به سی و پنج سالگی میرسد آنچنان فکرش مشغول به خداوند است که به هر موجودی مینگرد فوراً به صانع منتقل میشود و از مصنوع غافل میشود و از عالم محسوس بکلی دل کنده و متوجه عالم معقول است.

ج) سیر من الحق الی الخلق بالحق: مرحله سوم معرفت حی، اندیشه‌ورزی در مخلوقات است، اما در پرتو شناختی که نسبت به خداوند و اوصافش کسب کرده است. حی در این اندیشه‌ورزی به شناخت نفس مجرد و فسادناپذیر خود نایل میشود.

د) سیر بالحق فی الخلق: حی که اینک به نفس غیرجسمانی خویش معرفت یافته، به اندیشه‌ورزی پیرامون حیات پس از مرگ و سعادت و اسباب آن میپردازد و میفهمد که کمال ذات و لذت و سعادت همیشگی وی در مشاهده دائمی و بالفعل واجب‌الوجود است. آنگاه در اصناف و انواع موجودات می‌اندیشد که چگونه میتوانند مانع مشاهده‌اش نشوند و بلکه سبب نجات وی باشند. فلسفه‌ورزی حی در این مرحله شامل همه موجودات عالم اعم از حیوان و نبات و افلاک و کواکب میشود.

رشد فکری حی بن یقظان

ابن طفیل پس از رشد جسمی حی بن یقظان، جریان اندیشه‌ورزی فرزند تنها و مستأصل طبیعت را تصویر میکند. طفلی که در آغوش مهر مادری بزرگ شده، اینک پا گرفته و راه افتاده است. حی گامهای اول تفکر را برمیدارد. او از تجربه در طبیعت و تفکر در آن آغاز میکند و البته بعدها به تفکر در ماورای طبیعت میرسد. ابتدا اشیاء و موجودات جزیره را میبیند و بعد از دیدن به یاد می‌آورد، در حالی که نسبت به بعضی اشتیاق دارد و نسبت به بعضی دیگر اکراه میورزد. بیان این احساسات،



مشیر به رشد قوه نزوعیه در حی است. ابن طفیل بتبع فارابی رشد قوه ناطقه را مسبوق به قوه نزوعیه میدانند. قوه نزوعیه نیز مسبوق به قوای خیالیه است. البته پیش از قوای خیالیه و نزوعیه، قوای غاذیه و حاسه هم باید محقق شده باشند که تحقق این دو قوه در مسیر زندگی و رشد حی واضح است.^(۱۵)

حی بن یقظان در احوال اصناف حیوانات جزیره می‌اندیشد: بدن همه آنها پوشیده از پشم و مو یا پر است؛ قدرت و سرعتی در حمله دارند و همگی مسلح به ابزاری، همچون شاخ و چنگ و دندان در دفاع از خود هستند. حی آنگاه در خود نظر میکند که برهنه از پوششهای حیوانات است و از قدرت و سلاح دفاعی آنها بی‌بهره است. البته ابن طفیل قبلاً گفته که حیوانات جزیره درنده نیستند؛ چرا که حی زنده نمیماند تا داستان ادامه یابد. حی ملاحظه میکند که مثلاً هنگام خوردن میوه درختان اگر حیوانی گرسنه بر او سبقت گیرد، او ضعیف است و مغلوب حیوان میشود. حتی بره‌های آهوان وقتی بزرگتر میشوند شاخ درمی‌آورند و بدنشان قویتر میشود، اما حی فاقد همه اینهاست. این تفاوتها فرزند جزیره را به تفکر وامیدارد.^(۱۶) سوژه‌های فراوان دیگری هم برای تفکر وجود دارد: حیوانات ناقص‌الخلقه‌یی در جزیره میبیند که شباهتی به آنها ندارد، مخارج فضول و دستگاه تناسلی حیوانات بوسیله دم و پشم و مانند اینها پوشیده شده و نسبت به او پنهانتر است. حی این امور را خوش نمیدارد و فکرش به آنها مشغول است تا به هفت سالگی میرسد و از اینکه بدنش مانند حیوانات رشد کند و مثلاً پشم یا دم یا شاخ درآورد ناامید میشود؛ یعنی مطمئن میشود که نقصها و ضعفهایش بشکل طبیعی برطرف نخواهد شد و خودش باید چاره‌یی بیندیشد.^(۱۷)

حی که از رفع نواقصش بواسطه رشد طبیعی مأیوس شده، شروع به استفاده از ابزار و امکانات طبیعت میکند و با برگ پهن درختان تن‌پوشی میسازد و بدن خود را میپوشاند. لکن برگها بزودی پژمرده میشوند و لباس می‌افتد. حی از برگهای بیشتر و لایه‌های بیشتر استفاده

میکند و اندکی بر دوام لباس جنگلی خود می‌افزاید. همچنین شاخه‌هایی از درختان میکند و تراش میدهد و از آنها جهت راندن حیوانات استفاده میکند. پس از این، حی درمی‌یابد که دستش نسبت به دست حیوانات برتری بسیار و استفاده‌های متعدد دارد؛ مثلاً میتواند با دست عورتش را بپوشاند و چوب بردارد و از خود دفاع کند؛ در حالی که قبلاً خود را بسبب نداشتن دم و شاخ و چنگ و دندان کمتر از حیوانات می‌انگاشت. حی در خلال این تفکرات بزرگ میشود و از هفت سالگی عبور میکند.^(۱۸)

پوششی که حی از برگها میسازد او را بسیار به زحمت می‌اندازد، زیرا مجبور است مکرراً آن را تجدید کند. وی تصمیم میگیرد از دم پشمالی حیوانات مرده برای پوشش خود استفاده کند، اما از طرفی میبیند که حیوانات همواره از مرده هم‌نوع خود دوری میکنند. پس نگران است که استفاده از دم حیوانات مرده برایش مضر و خطرناک باشد. بالأخره حی تصادفاً با لاشه عقابی مواجه میشود که حیوانات از آن اجتناب نمیکنند. حی پوست عقاب را درست و سالم درمی‌آورد و از پرهایش لباسی درست میکند که عورتش را میپوشاند و علاوه بر این، دم عقاب پشت وی را میگیرد و گرمش میکند و بالهای عقاب روی دو دستش قرار گرفته هبیتی برای او ایجاد میکند تا وحوش به او نزدیک نشوند، جز آهوی مهربانی که برایش مادری کرده و هرگز از هم جدا نشده‌اند تا آنگاه که با گذر زمان، آهو پیر و ضعیف میشود. حالا حی او را به چراگاه میبرد و برایش میوه می‌آورد و از او پرستاری میکند تا اینکه بالأخره مرگ آهو میان آن دو جدایی می‌اندازد.^(۱۹)

بنیانگذاری علم تشریح^۱

فراز بعدی رساله حی بن یقظان سبب شده ابن طفیل آغازگر علم تشریح در اروپا شناخته شود. مرگ آهو بسختی حی را متأثر میسازد به اندازه‌یی که نزدیک است

از غصه بمیرد. وقتی حی میبند آهو به فریادهایش پاسخی نمیدهد و برخلاف گذشته هیچ حرکتی ندارد، به گوشها و چشمها و دیگر اعضای بدن آهو نظر میکند، اما ظاهراً مشکلی نمیبیند. حی در این اندیشه است که شاید مانعی مثلاً در گوش آهو قرار گرفته و جلوی شنیدن صدای او را میگیرد، ولی همه اعضای آهو در ظاهر مثل همیشه هستند و تفاوتی نکرده‌اند. هنگامی که حی از یافتن موانع ظاهری ناامید میشود و هیچ آفت و مشکلی در ظاهر بدن آهو نمیابد، اندیشه میکند که شاید عضوی در داخل بدن آهو باشد که همه این اعضای ظاهری را میگرداند و آفتی بر آن عضو داخلی عارض شده باشد. در اینصورت حتماً با از بین بردن آن آفت، مشکل برطرف میشود و آهو میتواند سخن بگوید و حرکت کند.^(۲۰)

مسائل معنای زندگی

حی بن یقظان پس از تشریح کامل بدن آهو، درمیابد که هیچ مرض مادی در آن نیست و در عین حال، آن موجودی که اعضا را اداره میکند، بدن را ترک گفته است. به این ترتیب حی درمیابد آن مادر مهربانی که به یکدیگر عشق میورزیدند، همان موجودی است که از بدن جدا شده و رفته است، نه این جنازه بی‌جان. همچنین درک میکند نفس یا آن موجودی که بدن را در حال سلامت ظاهری رها کرده و ترک گفته است، قطعاً به این بدن تکه تکه و تشریح شده باز نخواهد گشت. به این ترتیب حی نسبت به بدن آهو بی‌علاقه و بی‌رغبت میشود و درمیابد این بدن بمنزله آلت و ابزار نفس است و در واقع چیزی مانند همان چوب و عصبی است که حی بدست میگیرد و در مواجهه با حیوانات جزیره از آن استفاده میکند.

در واقع رشد فکری حی که از تفکر در طبیعت شروع شده در اینجا به تفکر در ماورای طبیعت متصل میشود. این طفیل در این مرحله از سیر و سلوک فکری حی، مسائل معنای زندگی را از زبان او بمیان میرود. حی در این افکار غرق میشود که موجودی که بدن را تدبیر میکرد و اکنون

رفته، چیست؟ چگونه چیزی است؟ چه نحوه ارتباطی با این بدن دارد؟ کجا رفته؟ چگونه رفته؟ و چرا رفته است؟^(۲۱)

به هر روی، حی در پی بوی تعفن لاشه آهو از آن منزجر میگردد و کلاغی وی را به دفن جسد دلالت میکند. به این شکل که دو کلاغ با یکدیگر درگیر میشوند و یکی دیگری را میکشد و سپس او را دفن میکند. حی با خود می‌اندیشد که این کلاغ در کشتن کلاغ دیگر خطا کرد، اما در دفن او کارش خوب بود. ارجاع به قرآن کریم در دفن هابیل توسط قابیل در این فراز از داستان مشهود است.^(۲۲)

پس از دفن آهو، حی به آهوان دیگر انس و الفت میگیرد؛ چرا که با خود می‌اندیشد اینها بسبب شباهت فراوانی که به مادرش دارند، باید نفس مدبر مشابهی داشته باشند. وی در سایر حیوانات و گیاهان هم نظر میکند و هیچکدام از موجودات جزیره را شبیه خود نمیابد. گمان دیگر حی این است که در همه عالم فقط همین جزیره وجود دارد؛ زیرا دریا از همه جهات به جزیره احاطه دارد.^(۲۳) حی مشاهده میکند که بر اثر و اصطکاک آتشی در بیشه و نزار مشتعل میشود. به آتش نزدیک میشود تا پاره‌یی از آن را بردارد و دستش میسوزد. یاد میگیرد که چوبی را که بخشی از آن مشتعل نیست بردارد و آتش را به محل زندگی خود بیاورد. حی آتش را با علف و هیزم زنده نگه میدارد و از آن در شگفت است و شبها از نور و گرمایش بهره میبرد. میندازد که آتش برترین موجود است و از موجودات آسمانی است، بخصوص که آتش همواره حرکتی به سمت بالا دارد و همه اشیاء را با سرعتی متفاوت میسوزاند. حی علاوه بر گرما و روشنایی، سایر استفاده‌های آتش را هم یاد میگیرد. از ماهیانی که به ساحل افتاده‌اند برمیدارد و در آتش میگذارد و از بویی که بلند میشود خوشش می‌آید. پس گوشت پخته را میخورد و به خوردن آن عادت میکند و کم کم در صید ماهی و شکار حیوانات مهارت میابد.^(۲۴)



شناخت روح حیوانی

حی بن یقظان هنگامی که میبیند آتش این همه فایده و قدرت دارد به آن بیشتر علاقمند میشود و مهر میورزد و میبندارد آنچه از قلب مادرش بیرون رفته از جنس آتش یا چیزی شبیه آن بوده است؛ بخصوص که بدن حیوانات در دوران زندگی گرم است و پس از مرگ سرد میشود. تصمیم میگیرد حیوان زنده‌یی را بگیرد و قلبش را بشکافد تا ببیند در سینه‌اش چیزی از جنس آتش مییابد یا نه؟ آنچه که در سینه جسد آهوی مرده نیافته بود. چنین میکند و هوای بخاری را در بدن حیوان مییابد و به تشریح حیوانات مرده و زنده ادامه میدهد. پس درمییابد که حیوانات همگی نوعی روح حیوانی یکسان دارند و همه اعضا و حواس در استخدام روح حیوانی هستند. این مطالعات تا بیست و یک سالگی ادامه مییابد و در واقع میتواند ادراکی ناظر به نفس انسان باشد یا دست‌کم مقدمه‌یی برای شناخت نفس آدمی بشمار آید. در بخشهای قبلی داستان هم مطالبی در خصوص تجرد نفس دیده بودیم؛ آنجا که پس از مرگ آهو، حی درمییابد آنکه به او عشق میورزید غیر از این جنازه است و چیزی است که اینک از این بدن مادی جدا شده و به جایی دیگر رفته است.^(۲۵)

در این مدت که شامل سه هفت سال، یعنی بیست و یک سال است، حی در ساختن ابزار گوناگون مهارت پیدا میکند و بمرور کارهای مختلفی را یاد میگیرد؛ مثلاً از پوست حیوانات لباس و کفش میسازد، از موی حیوانات نخ درست کرده و خیاطی میکند، نانوایی میکند، خانه میسازد، میتواند برای مدتی غذا ذخیره کند و آن را از دسترس حیوانات حفظ نماید و سپر و سلاحهایی همچون نیزه بسازد. او حتی میتواند برخی حیوانات را رام کند، برای آنها مهار و افسار فراهم نماید و از آنها بعنوان مرکب استفاده کند. علاوه بر همه اینها، در این مدت بیست و یک ساله، تشریح

حیوانات مرده و زنده^۱ و شناخت اعضای آنها نیز از دیگر فعالیت‌های حی است.^(۲۶)

مرحله بعدی، فصل جدیدی در نحوه تفکر حی است. وی از تجربه و کسب دانش از محسوسات و جزئیات به تفکر عقلی و کلی انتقال و ارتقا مییابد؛ به انواع و اصناف اجسام و اوصاف و اعراض آنها شناخت پیدا میکند. بعلاوه، برای او ادراکی از وحدت نفس خویش در عین کثرت اعضای بدن و افعال جسمانی حاصل میشود. در خصوص حیوانات نیز از شباهتها و تفاوت‌های آنها، به این مفهوم انتقال مییابد که یک نوع شامل افراد متعدد است. آنگاه ویژگی‌های روح حیوانی و نبات و نفس نباتی، تفاوت و تشابه حیوان و نبات، خصوصیات جسم مانند ابعاد سه‌گانه و حرکت و وزن، مفهوم ذاتی جسمیت یعنی ابعاد ثلاثه و مفاهیم عارض بر جسمیت همانند سنگینی و سبکی را تشخیص میدهد و به رابطه امتداد و جسمیت توجه دارد و نیز عناصر اربعه را دسته‌بندی میکند و به مفاهیم صورت و ماده و هیولا میرسد. تا سن بیست و هشت سالگی اندیشه در عالم اجسام ادامه مییابد تا آنجا که حی همه اجسام را گرفتار حدوث و محتاج فاعل مختار میبیند، همه را به کناری مینهد و به تفکر در امور سماوی منتقل میشود: «ثم انه بعد ذلك اخذ فی مأخذ آخر.»^(۲۷)

وی موجودات آسمانی را هم جسم مییابد و جسم را متناهی و فلک را کروی میداند. همچنین بحثی در حدوث و قدم عالم دارد که به قطعیتی در یک طرف نمیرسد و سپس بر اساس بطلان تسلسل، به فاعل و علت العلل غیرجسمانی استدلال میکند و در صفات او تأمل مینماید که مختار است و اکرم الکرم، ارحم الرحما، اکمل، اتم، احسن، ابهی، اجمل، ادم؛ بلکه اساساً او وجود است و تمام و کمال و حسن و بها و قدرت و علم و هو هو. این معرفت به خداوند و صفاتش تا سی و پنج سالگی نصیب حی میشود.^(۲۸)

اندیشه‌ورزی معطوف به اندیشه

در این مرحله توجه حی به کلی به خداوند و عالم معقول است و از هر مصنوع و محسوسی به صانع منتقل میشود. در این مرحله حی به اندیشه خویش می‌اندیشد. او در این مسئله می‌اندیشد که چگونه و با چه قوه‌یی این علم به خداوند را یافته است؟ «حی یتساءل کیف ادرک هذه الحقائق؟» حواس و خیال او فقط اجسام و جسمانیات را درمییابد. پس ذات او، چیزی غیرجسمانی است و آن ذات و نفس روحانی است که میتواند واجب‌الوجود را ادراک نماید. البته آنچه جسمانی نیست در معرض فساد هم نیست. سپس در خصوص احوال نفوس بعد از مرگ و سعادت و شقاوت انواع نفوس بحث میشود. نفوس حیوان و نبات فانی میگردند، اما کواکب و افلاک دارای نفوسی غیرجسمانی هستند که دائماً به مشاهده واجب‌الوجود مشغولند. در خود حی هم روح حیوانی شبیه اجسام سماوی و نفسی مشابه کواکب و نیز امری ربانی وجود دارد که توسط آن واجب‌الوجود را میشناسد و بر خود واجب میدانند که متصف به صفات الهی و متخلق به اخلاق الهی شود و به افعال الهی اقتدا کند و کمترین اهتمام را به بدنش داشته باشد.

ابن‌طفیل در اینجا به کسی که درخواست نوشتن رساله را نموده رو میکند و میگوید آنچه در خصوص تجارب عرفانی و شهودات حی، گفتنی بود به تو گفتم و بیش از این در لفظ نمیگنجد. فقط بدان که وقتی حی پس از وصال به عالم عقلی به عالم محسوس برمیگردد، دیگر زندگی دنیا برایش دشوار است و دوست دارد از بدن مفارقت کند تا بدون عایق و مانع به مشاهده معقولات بپردازد و دائماً حظ و لذت عقلی ببرد.

رسیدن به دین و نیل به فهم وفاق و هماهنگی میان فلسفه و دین

بخش دوم رساله نیاز به تحقیقی مستقل دارد که در اینجا صرفاً اشاره‌یی مختصر به آن خواهیم داشت. حی بن

یقظان در یک سیر و سلوک فکری و عقلی به همه حقایق عالم احاطه مییابد. در همین حال، در جزیره دیگری که نزدیک جزیره حی واقع است، مردم از طریق دین و انبیای الهی با حقایق آشنا میشوند. دینداری مردم این جزیره دو گونه است: دینداری اسال که همراه با غوص در باطن و تعمق در معانی روحانی است و دینداری سلامان که صرف تقیدات و پابندی ظاهری است. البته دینداری توأم با تعمق و تأویل اسال، همراه با احتیاط شریعت و انجام همه اعمال و وظایف ظاهری است. در شریعت این جزیره اقوالی بچشم میخورد که قابل حمل بر عزلت و گوشه‌گیری از جامعه و تفکر انفرادی است و درست در نقطه مقابل، اقوال دیگری هم وجود دارد که قابل حمل بر معاشرت با مردم و همراهی با اجتماع است. اسال از مشی عزلت و سلامان از سبک معاشرت طرفداری میکند. اختلاف میان این دو موجب میشود اسال جزیره خود را ترک کند و برای بقیه عمرش به جزیره حی که آوازه‌اش را شنیده بود؛ او آنچه از اموالش را که میتواند با خود میبرد و بقیه را برای محتاجان میگذارد و با دوستش سلامان خداحافظی میکند و میرود. اسال که از طریق دین به حقایق عالم رسیده، با حی بن یقظان که توسط تعقل و سلوک فکری بر حقایق امور اطلاع یافته، آشنا میشود و تطابقی کامل بین افکار خود و حی مشاهده میکند. همانطور که اشاره شد، باور هماهنگی کامل میان فلسفه و دین از ابن‌طفیل به شاگردش، ابن‌رشد اندلسی انتقال یافته و در کتاب *فصل المقال فی تقریر مابین الشریعه و الحکمه من الاتصال* قابل ملاحظه است.^(۲۹)

نتیجه‌گیری

ابن‌طفیل سلوک فکری و فلسفی کودکی تنها در دامان طبیعت را در رساله حی بن یقظان توصیف کرده است. سنگ زیرین بنای این سلوک، فلسفه‌ورزی در دوران



طفولیت است؛ زیرا بررسی تحلیلی رساله حی بن یقظان نشان می‌دهد اندیشه‌ورزی قهرمان این رمان فلسفی در الگوی اسفار اربعه انجام می‌پذیرد و اولین سفر از خردسالی حی شروع می‌شود. البته سفر اول تا بزرگسالی وی امتداد دارد. این سفر فکری، دانش‌طبیعی و مابعد طبیعی و اثبات خداوند را شامل می‌شود. در سفر دوم حی بن یقظان به اوصاف خداوند شناخت می‌یابد. در سفر سوم، حی در پرتو معرفتی که به خداوند و اوصافش یافته است، به تفکر در آفریدگان خداوند می‌پردازد. و در سفر چهارم، در حالی که به خویشتن غیرمادی خویش شناخت پیدا کرده، به تفکر درباره زندگی اخروی و خوشبختی حقیقی و عوامل آن مشغول می‌شود و درک میکند استکمال و خوشی و خوشبختی ماندگار در مشاهده دائمی و بالفعل خداوند تحقق می‌یابد. وی سپس در گونه‌های مخلوقات تفکر می‌ورزد که چگونه باید آنها را بمانند واسط و عامل نجات مشاهده کند و اجازه ندهد ماسوا مانع مشاهده واجب‌الوجود شوند. دستاوردهای اندیشه‌ورزی حی بن یقظان مشتمل بر حوزه فناوری و علوم تجربی نیز می‌شود.

پی‌نوشتها:

1. See: Wainwright, *Desert Island Scripts*; Hassan, *Hayy bin Yaqzan and Robinson Crusoe: A study of an Early Arabic Impact on English literature*.

2. See: Toomer, *Eastern Wisdom and Learning: The Study of Arabic in Seventeenth-Century England*, p. 218; Attar, *The Vital Roots of European Enlightenment: Ibn Tufayl's Influence on Modern Western Thought*.

۳. ابن طفیل، ابوبکر محمدبن عبدالملک، حی بن یقظان، مقدمه و

تعلیق البیرنصری نادر، ص ۱۵ و ۱۶.

۴. همان، ص ۲۵.

۵. ابن رشد که شاگرد ابن طفیل است این دیدگاه، یعنی هماهنگی

فلسفه و دین را بصورت کتابی درآورده است: *فصل المقال فی تقریر مابین الشریعه و الحکمه من الاتصال*.

۶. بنظر میرسد یکی از منابع ملاصدرا در تنظیم کتاب *الاسفار*

الاربعه العقلیه فی الحکمه المتعالیه همین الگوی رساله ابن طفیل باشد که در زمانی نزدیک به پنج قرن پیش از وی نوشته شده، بخصوص که

مراحل چهارگانه رساله حی بن یقظان ابن طفیل تماماً مسائل فلسفی است که با روی آورد عرفانی و بینا متنی قرآنی ارائه شده است.

۷. حی بن یقظان، ص ۲۶ و ۲۷.

۸. ر.ک: آل عمران، آیه ۵۹.

۹. حی بن یقظان، ص ۲۸ و ۲۹.

۱۰. ر.ک: سوره طه، آیه ۳۹.

۱۱. حی بن یقظان، ص ۲۹.

۱۲. همان، ص ۲۹-۳۲.

۱۳. همان، ص ۳۲ و ۳۳.

۱۴. همان، ص ۳۳.

۱۵. همانجا.

۱۶. همان، ص ۳۳ و ۳۴.

۱۷. همان، ص ۳۴؛ در کتاب نصری نادر یک «و» قبل از ذلک

وجود دارد که بنظر اشتباه میرسد و از اینرو عبارت را مطابق نسخه عبدالحلیم محمود بدون «و» آوردیم. (ص ۷۴)

۱۸. همان، ص ۳۴.

۱۹. همان، ص ۳۴ و ۳۵.

۲۰. همان، ص ۳۵-۳۹.

۲۱. همان، ص ۳۹ و ۴۰.

۲۲. ر.ک: سوره مائده، آیات ۳۰ و ۳۱.

۲۳. همان، ص ۴۰.

۲۴. حی بن یقظان، ص ۴۱.

۲۵. همان، ص ۴۲-۴۴.

۲۶. همان، ص ۴۴ و ۴۵.

۲۷. همان، ص ۴۵-۵۶.

۲۸. همان، ص ۵۶ و ۶۴.

۲۹. همان، ص ۹۸.

منابع:

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، *رسائل*، قم، بیدار، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۱۳۰.

۲. ابن طفیل، ابوبکر محمدبن عبدالملک، حی بن یقظان، مقدمه و

تعلیق البیرنصری نادر، بیروت، دارالمشرق، ج ۴، ۱۹۹۳.

۳. فارابی، ابونصر محمدبن محمد، *آراء اهل المدینه الفاضله و*

مصادقاتها، مقدمه و تعلیقات علی بوملحم، بیروت، دار و مکتبه الهلال،

۲۰۰۳م.